

# تبعات تاریخی

## پارچه‌های ایران

در دوره قدیم و دوره اسلامی

بقلم ساستین میژن<sup>۱</sup>

مدیر افتخاری موزه ملی فرانسه

۱

آنچه بنا بر معمول ایران گفته میشود در تاریخ فقط از قرن ششم پیش از میلاد با کورش کبیر آشکار میگردد که پس از نجات دادن خود از قیومت مادها مؤسس سلطنت هخامنشی و دارای تسلط بر ایران شد، دوست سال بعد این مملکت که قسمتی از آن را سرداران سلوکی و جانشینان اسکندر کبیر یونانی کرده بودند در نتیجه فتوحات اسکندر در بین النهرین و ایران باز مستقل گردید.

ولی از سال ۲۵۰ پیش از میلاد مملکت آسیائی اسکندر در مقابل ضربات سریعی که چادر نشینان پارت بآن وارد آوردند مقاومت نتوانست و این طایفه نزدیک پنج قرن مشرق ایران را در مقابل مغرب امپراطوری روم برانگیختند و در ضمن اساس تمدن یونانی را در خود نگاه داشتند که در پادشاهان آن از قبیل تیرداد بحد کمال رسوخ داشت.

قبام برضد تمدن یونان می بایست بزودی قراهم شود ولی فقط ۲۲۷ سال پس از تاریخ میلادی ظاهر شد و میبایست از ایالت پارس آشکار شود که مهد قدیم هخامنشیان بود و اردشیر خود را در آنجا شاهنشاه نامید و نخستین پادشاه سلسله ساسانی شد که می بایست در میدانهای جنگ آسیا روم و بیزانس را عقب نشانند و امپراطورانی مانند «والرین»<sup>۲</sup> و «ژولین لاپستا»<sup>۳</sup> و «ژوین»<sup>۴</sup> را سرشکسته کنند و تمام بین النهرین را از ایشان بگیرند.

ولی سر نوشت هر سلطنتی اجتناب نا پذیر است و سلطنت ساسانیان نیز میبایست

Julien l'Apostat — ۳ . Valérien — ۲ . Gaston Migeon — ۱

Jovien — ۴

از میان برود : دشمن جدیدی بر خاست که عبارت از عرب بود و از ۶۴۲ ق.م. و ساسانیان یکی از ایالات خلفا گردید . آخرین پادشاه این سلسله یزدگرد در ۶۶۱ زیر خنجر قاتلی افتاد .

اگر از سلطنت هخامنشیان و سلوکی ها و پارتها بناهایی برای ما مانده که شاهد گذشته بزرگیت هیچ پارچه ای نیست که پس از آن دوره های تابناک مانده باشد ؛ دوره ساسانیان نیز همینطور است .

مسهودی نویسنده عرب (حدود ۹۰۰ میلادی) می گوید که شاپور دوم که بنابه از ایالات رومی سوریه و بین النهرین در ۳۶۰ میلادی عبور میکرد ناساجان ابن ممالک را اسیر کرد تا ایشان را در ایران جادهد؛ منشاء صنعت بافندگی شهر شوش را مورخ مزبور باین صنعتگران مهاجر می رساند . ولی بدون شك این واقعه اتفاقی بود زیرا که بسیار محتمل است که در همان زمان ایران فقط باینکه واسطه صدور ابریشم خام چین بمشرق باشد قناعت نمیکرد و این کار را مدتهای مدید پارتها کرده بودند ، ایران از زمان قدیم شهرتی در پرداخت و بافت ابریشم چینی و ابریشم بومی خود کسب کرده بود و بنیایه ای رسیده بود که چین هم این ابریشم های بافته را لایق آن دانست که دو باره مملکت خود برگرداند و نمونه هایی از آن در مجموعه هایی میتوان یافت که مسیو « ارل اشتین »<sup>۱</sup> از ختن (سربندیا)<sup>۲</sup> و مسیو « پل پلیو »<sup>۳</sup> از « تون هوانک »<sup>۴</sup> آورده اند و حتی در خزانه امپراطوری « شوزوئین »<sup>۵</sup> در «نارا»<sup>۶</sup> از مملکت ژاپون از این پارچهها بوده است که در سال ۷۴۸ « شوو »<sup>۷</sup> امپراطور آنرا تشکیل داد .

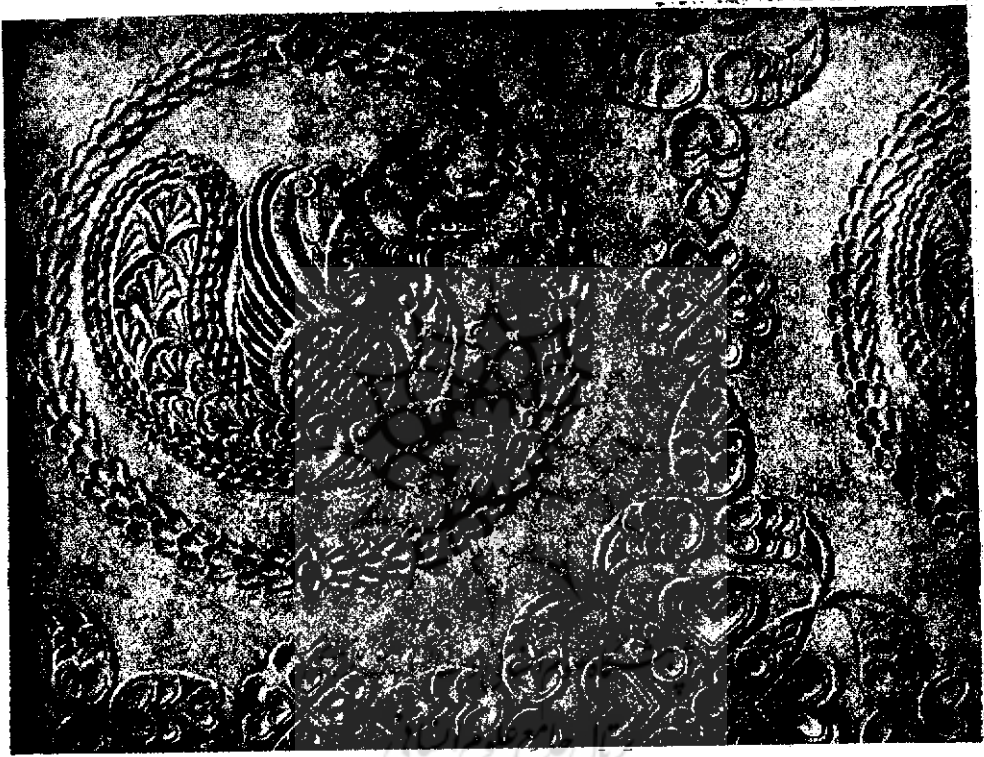
دلیل اهمیت بافتهای ساسانی آنست که « ژوستی نین »<sup>۸</sup> بهر وسیله ای در صدد شد که حق انحصاری از آن برای کارخانهای بیزانس تحصیل کند و همین باعث شد که آن همه کارگران از اهالی سوریه بایران هجوم کردند و دیگر آنکه

۱ — Aurel Stein — ۲ — Serindia — ۳ — Pelliot Paul

۴ — Toun-houang — ۵ — Chosofn — ۶ — Sara — ۷ — Chomu

۸ — Justinien — A

«ژوستین»<sup>۱</sup> اصرار کرد از ساسانیان این حق را برای مردم سغدیان بگیرد که بفتح خود نساجی کنند. موضوع ابریشم یکی از بزرگترین مشکلات میان دولت بزرانس و ساسانیان بود. اغلب پارچه های ساسانی که در دستت از مدت مدیدی معروف می باشد و از



### شکل ۱ - حجاری طاق!بستان

نظیر پارچه ساسانی موزه ویکتوریا و آلبرت

ارض مقدس در زمان جنگهای صلیب آورده اند و در آن زمین لفافه اشیاء متبرک و کفن هائی بوده است که در مقابر یافته اند. آن پارچه امروز در خزاین کلیسا های غربی موجودست و چون از آنجا بیرون آورده اند به موزه ها برده اند. نقوش برجسته ای که در سنک طاق بستان در شمال شرقی کرمانشاه کنده اند

خوش بختانه نقشی از پارچه‌ها بمانده‌اند که بوسیله آن می‌توان هویت زمان بعضی از پارچه‌های معروف را معلوم کرد.

در مجسمه سواره خسرو دوم پادشاه (۵۹۰ - ۶۲۹) شنل او یکی از آن نقش‌های مطلوب صنایع ساسانی را دارد و آن عبارتست از ازدهای طاوسی شکل که سرش سر حیوان گوشت خوار و پنجه‌های آن پنجه شیرست و در بوته حاشیه داریست که تقریباً عین آنرا در يك پارچه ابریشمی (گلهای سبز بر متن زرد) در موزه «ویکتوریا و آلبرت»<sup>۱</sup> در لندن می‌توان دید.

روی دو نقش برجسته بزرگی که از شکارهای خسرو دوم (در حدود ۶۲۰)



شکل ۲ - حجاری طاق بستان

که نظیر نقوش آن در پارچه‌های ساسانی دیده میشود

در بدنه‌های دو طرف غار طاق بستانست  
 قیل بانانی که سوار قیلند  
 جامه‌هایی مزین بطیور  
 دارند و مخصوصاً مرغابی  
 که شاید نظیر آنرا در  
 پارچه‌های امروز نداشته  
 باشیم ولی در پارچه‌های  
 ابریشمین قرون اول  
 اسلام (قرن هشتم تا دهم)  
 که در کلیسای جامع  
 «مونستر»<sup>۲</sup> و در  
 کتابخانه «ولفن بوتل»<sup>۳</sup>  
 در «واتیکان»<sup>۴</sup> موجود  
 است می‌توان یافت.

۱ - Victoria and Albert Musium - ۲ - Munster

۳ - Wolfen Buttel - ۴ - Vatican

بعضی از پارچه‌های ساسانی را می توان قطعاً باین عنوان شناخت مخصوصاً اگر نقش آن صورت پادشاهی باشد سوار بر حیوان افسانه ای که با حیوان افسانه‌ای دیگری گلاویز شده ( حیوان شاخدار مانند نقوش استخر ) در میان شیرانی که رو برو خوابیده اند یا بز های کوهی یا اینکه پادشاهی سوار اسب و در حال شکار که با يك دست بچه شیری را بلند کرده و بدست دیگر مرغ شکار، دارد . . . آن پارچه‌های با شکوه کلیسای «سنت اورسول»<sup>۱</sup> در «کلنی»<sup>۲</sup> و موزه های برلین و «نورامبرگ»<sup>۳</sup> یا موزه «کلونی»<sup>۴</sup> در کمال خوبی مطابق نقش سکه های یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی را که در ۶۶۱ مرده است نشان می دهد .

اشیاء نقره ساسانی که بمقداری تا اندازه کثیر در آسیای روسیه یافته اند و ما سوف علیه «سیمرنف»<sup>۵</sup> انتشاراتی تا آن حد سودمند در باره آنها کرده است از طرف دیگر عده کثیری نقوش بدست ما میدهد که برای نزدیک کردن با نقوش پارچه مفیدست و از طرفین قرابت بسیار را آشکار می سازد ؛ این قرابت را در کمال خوبی مسیو «اتوفن فالکه»<sup>۶</sup> در کتاب بزرگ خود در باب پارچه روشن کرده است .

پارچه‌های ابریشمی ساسانی متعلق بدوره های بعد و مخصوصاً آن پارچه‌هایی که نقش شکار گاه دارد می بایست در شرق اقصی بسیار پسندیده باشد زیرا که در آنجا مکرر از روی آن بافته و تقلید کرده اند .

درین پارچه‌ها اصول نقوش تزینی عبارتست از شاخ گوزنی و گل سرخی و بولکی و اکلیلی حاشیه دار، و نقوش انسان و حیوان روبروست که اغلب در میان آن شاخ و برگ درخت متبرکیست ، که اصل آن از کلدانه است و کتب مقدسی دو درخت را ذکر می کنند که درخت حقیقت و درخت زندگی باشد و درمدخل مسکن خداوندانست و در استوانهای کلدانی باستان آن درخت دوشیرست - تمام این اشکال در پارچه‌های بیزانس و اوایل اعراب دیده می شود که در تحت نقوذ حتمی

۱ - Sainte - Ursule . ۲ - Cologne . ۳ - Nuremberg . ۴ - Cluny .

۵ - OHO von Falke . ۶ - Smirnov .

ساسانیان بوده است. کتب آثار باقیه بیزانس تألیف مسیو «دالتن»<sup>۱</sup> و مسیو «ش. دیل»<sup>۲</sup> نمونه های بسیار متعددی بدست میدهد.

در سال ۶۴۲ میلادی تسلط اعراب قدرت ساسانیان را درهم شکست و تا واسطه قرن نهم میلادی ایران در تحت تسلط خلفای اموی دمشق و خلفای عباسی بغداد باقی ماند و ایران پس از آنکه قریب دو قرن گرفتار حکومتها و سلسله های کوچک محلی بود بدست سلاطین سلجوقی در نیمه دوم قرن یازدهم میلادی بار دیگر بوحدت خویش نائل آمد و این وحدت تا سال ۱۲۵۸ (۶۵۶ هـ) که هلاکوخان بغداد را گرفته ویران کرد و تمام ایران در قلمرو حکومت ایلخانان مغول در آمد باقی بود.

امیر تیمور نیز پس از اولاد چنگیز ایران را تصرف آورده باخلاف خویش سپرد و بالاخره ظهور سلسله صفوی باردیگر ایران را که از زمان ساسانیان بوحدتی که بدست سلسله ای ایرانی صورت گرفته باشد نائل نیامده بود بچنین وحدتی نائل ساخت و این حال تا مرگ نادر بر قرار ماند.

تسلط عرب و شیوع اسلام در ایران پس از انقراض سلسله ساسانی در صنایع ایرانی مخصوصاً در پارچه بافی تغییر فوق العاده ای پدید نیآورد و این صنعت تا قریب سه یا چهار قرن بهمان حال پیشین بر قرار بود. بنیان صنایع ایران بقدری استوار و متین بود که انقراض سلطنت ملی و حکومت قوم بیگانه در آن نفوذی نیافت و صنعتگران ایران چنانکه پیش از آن در برابر خطر یونانی مقاومت کرده بودند خطر جدید را نیز دفع کردند. حتی اعراب چون صنایع ایران را در منتهای ترقی دیدند بتقلید آن پرداختند و کم کم صنایع ایرانی سراسر متصرفات ایشان را تحت نفوذ خویش گرفت و دائره آن تا ممالک اطراف بحر الروم و حتی اسپانیول که سلطنت خلفای اموی قرطبه در آنجا تأسیس شده بود وسعت یافت. استعداد و قریحه ایرانی با وجود تغییر مذهب و با وجود اختلاط با نژاد های گوناگون عرب و ترك شخصیت واستقلال خویش را محفوظ داشت و در برابر حوادث نامساعد پایداری کرد

« ارتست رنان »<sup>۱</sup> نویسنده معروف فرانسه خوب بدین نکته پی برده و می نویسد :

« ایران با آنکه سرطاعت مذهبی سامی فرود آورد بود حقوق ملی هند اروپائی خود را با سوابق تاریخی و فلسفه و شخصیت نژادی خویش محفوظ داشت. » مقصود رنان از محفوظ داشتن سوابق تاریخی اشاره بشاهنامه فردوسی است که تمام پهلوانان افسانه ای نژاد ایرانی را زنده ساخت و با سرودن گزارش جنگ‌هایی که ایرانیان کهن برای حفظ استقلال خویش کرده بودند عظمت ایران را ثابت کرد. اهمیت صنعت ایران سبب شد که دنیای جدید اسلامی و تمام ممالک مجاور ایران بتقلید آن و استخدام صنعتگران ایرانی برخیزند و بهمین سبب است که امروز نمیتوان صنعت حقیقی و خالص ایرانی را از صنایع ممالکی که تحت نفوذ آن قرار گرفته اند بخوبی تمیز داد .

صنایع ایران دیرزمانی بر بغداد یعنی مرکز حکومت خلفای عباسی حکمروا بود و عراق عرب نیز مدتها واسطه انتقال علوم و صنایع متصرفات شرقی و غربی اسلامی و وسیله ارتباط آندو با یکدیگر بوده است . از طرف دیگر در دوره طاهریان و مخصوصاً در عهد سامانیان که ایرانیان در شمال شرقی ممالک خویشان را از بند تسلط اعراب آزاد کردند صنایع ایران تا سرحدات چین نفوذ یافت و اندک اندک با صنایع چینی مربوط و مخلوط گردید و بالاخره پس از حمله مغول بر ایران در قرن هفتم هجری اساساً خراسان و بلاد شمال شرقی ایران مانند نیشابور و ری و طوس و مرو و بخارا و سمرقند کانون علوم و ادبیات و صنایع ایرانی گشت .

بهمین ملاحظات است که یکی از معروفترین مورخین و اساتید بارچه شناس یعنی « اتوفن فالکه »<sup>۲</sup> منسوجات اسلامی قرون وسطی را بدو دسته تقسیم کرده است ، یکی منسوجات اسلامی شرقی و دیگری منسوجات اسلامی مغرب .

از جمله بارچه‌های سبک اسلامی غربی که بتقلید بارچه‌های ساسانی بافته شده قطعات ذیل را بشمارد میتوان آورد :



یکی پارچه مقبره «سن ویکتور» که در موزه برابن است و مردی استفاده را در حال خفه کردن شیری نشان میدهد و دیرزمانی تصویر میگرداند که تصویر دانیال



در گودال شیران است ولی از تحقیقات اخیر معلوم شده است که تقلیدی از صنعت آشوری یا کلدانیست.

دیگری پارچه‌ای که بر آن نقش بیان متعدد مشاهده میشود و در یکی از موزه‌های برلین مضبوط است و آنرا از صنایع روم شرقی تشخیص داده‌اند.

شکل ۳ - نقش پارچه ساسانی  
که در یکی از موزه‌های برلین ضبط است

دیگری پارچه ابریشمی که بر آن تصاویر قیلان بافته شده و در

زیر پای قیلان بخط کوفی این عبارت دیده میشود: «عز و اقبال للمقاتلین منصور تز تکین (۲) اطل الله بقائه» و این ابو منصور امیر خراسان بوده و در سال ۳۴۹ هجری (۹۱۱ میلادی) بقتل رسیده است.<sup>۱</sup>

۱ - مقصود نویسنده گویا ابو منصور عبدالرزاق باشد و انطباق ابو منصور تز تکین (۲) با او محل تامل است. «مهر»

### غیرت

چنان گیرد کز و نبود رهائی  
ز شمع خویش بزم غیر بر نور  
بیند نو گلی با بلبل خویش  
وحشی

دو جا غیرت کند زور آزمائی  
یکی آنجا که عاشق بیند از دور  
دوم آنجا که معشوق وفا کیش